

شعرا و مقاله‌هایی از برنار نوئل

● «تابستان زبان مرده» گزیده‌ای است از اشعار برنار نوئل، شاعر فرانسوی، که با ترجمه عاطفه طاهایی در نشر گوشه منتشر شده است. برنار نوئل از نسل شاعران فرانسوی پس از جنگ جهانی دوم است. شاعرانی که نخستین شعرهایشان در دهه پنجاه میلادی منتشر شد و در شیوه و سبک و رویکرد با شاعران پیش از خود متفاوت بودند. کتاب علاوه بر گزیده‌ای از شعرهای نوئل با مقدمه‌ای از مترجم همراه است که در آن ضمن معرفی مختصات شعر برنار نوئل به رویکرد شاعران فرانسوی در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و فضای کلی حاکم بر شعر این دوره پرداخته شده است. مترجم در آغاز این مقدمه با اشاره به این‌که نخستین شعرهای برنار نوئل در دهه پنجاه میلادی منتشر شد، درباره شاعران این دوره و آن‌چه در شعر این دهه بیشتر مطرح بود می‌نویسد: «در دهه‌ی پنجاه اغلب شاعران جوان برخلاف اسلاف سوررئالیست‌شان نمی‌خواستند گروه شوند و مکتب بسازند و مانیفست صادر کنند یا آرمان‌های انقلابی و یا میهنی را در شعر بازتاب دهند. بیشتر گوشه‌گیر و منزوی بودند، گریزان از جنون جمعی، گریزان از تعصبات فکری و گروهی.» این دهه و دهه‌های بعد در عین حال روزگار زیانناشناسی بود و ساختارگرایی و فلسفه‌ی زبان. روزگار آزادی و استقلال فردی بود و خیلی چیزهای دیگر». در این مقدمه همچنین اشاره می‌شود به «نفی وجه ابزاری شعر» در این دوره، به قصد «جست‌وجوی مطلق شعر» و شاهچه‌های عمده‌ای که می‌توان شاعران دهه پنجاه فرانسه را در آن جای داد.
بعد از توضیحی کلی درباره شعر آن دوره، به شعرهای برنار نوئل پرداخته شده است و معرفی آثار او و ویژگی‌های اشعارش. یکی از ویژگی‌های شعر نوئل که در مقدمه به آن اشاره شده، «توجه به فضای سپید» در بسیاری از اشعار اوست. درباره اهمیت فضای سپید برای برنار نوئل، از قول خود او چنین نقل شده است: «متن تنها عنصر نوشتار نیست بلکه یکی از جنبه‌های آن است. محیط شعر محیط بکری نیست؛ حاشیه‌ی شعر نیز محلی برای تجربه است.» مترجم همچنین ارجاع می‌دهد به مقاله‌ای از نوئل با عنوان «شعر به کجا می‌رود؟» که نوئل در آن صفحه‌ای را که شعر در آن «بریا» می‌شود مانند یک «فضای ذهنی» دانسته است. چنانکه در ادامه این مقدمه می‌خوانیم «مفهوم فضا» هسته اصلی اندیشه نوئل را می‌سازد و «بویوقای شعر نوئل حول این مفهوم شکل می‌گیرد». چنانکه در پایان مقدمه کتاب اشاره شده است، نوئل «پیش از انقلاب سفری به ایران داشته است» و سال‌ها بعد از این سفر، متنی هم درباره آن نوشته است که این نوشته نیز که «شهرهایی در هوا» نام دارد، ترجمه شده و در کتاب آمده است.

برنده گیچی، به‌سوی دیولند، روی تابی از زمان. سرگذشت تاریک، صدای من هیچ کجا، تابستان زبان مرده، برنده، دهان، تصویر ناپه و افسانه و باد. شعرهایی از نوئل است که در این کتاب می‌خوانید. در پایان کتاب نیز چند مقاله از برنار نوئل آمده است که عبارتند از «شعر به کجا می‌رود» (مقاله‌ای که پیش از این به آن اشاره شد)، «شعر چه می‌تواند بکند»، «گشش شاعری» و «فضای شعر».

آن‌چه می‌خوانید شعر «پرتره» است از این کتاب: «آن حرف کجاست؟/ این پرسش از دهان محضری بیرون می‌آید/ بعد ساکت می‌شود/ آن هنگام که آدمی زندگی می‌کند/ چه نیازی تا زبانش را در حسابد آورد/ آن هنگام که آدمی می‌میرد/ باید که الفباییش را واگذارد/ از هر مرده‌ای/ راز زندگی را انتظار می‌کشیم/ آخرین نفس اما/ حرف کم‌شده را با خود می‌برد/ حرف در پس چهره پُر می‌کشد/ حرف در میانه نام پنهان می‌شود» و اینک بخشی از مقاله «شعر به کجا می‌رود؟» که به نحوی بازتاب‌دهنده رویکرد شعری نوئل است و تلقی‌اش از شعر: «شعر کانون مقاومت زبان زنده در برابر زبان مصرف‌شده، کاسته‌شده و تک‌معنایی است. شعر حیات زبان است بی‌آن‌که نیازی به تأیید داشته باشد؛ شعر طبیعتاً این‌گونه است، فی‌نفسه، به دلیل وضعیتی که دارد، زیرا چیزی هست که شعر را به پویایی وامی‌دارد، شعر را بی‌وقفه فعال می‌کند، چیزی که سرچشمه است، آغازین است. آینده‌ی شعر این است که سرچشمه‌ی آینده باشد، زیرا شعر پیوسته آغاز است. اکنون باید از این نظر دفاع کنم اما می‌خواهم به سود حرکت از زیر بار تأیید آن شانه خالی کنم. برای خودم افسانه‌ای ساخته‌ام تا مبدأ و ماندگاری شعر جایگاهی داشته باشد؛ شعر با شیوه‌ای که صفحه را اشغال می‌کند بی‌درنگ تمایز می‌یابد. شعر عمود بر صفحه می‌ایستد. و گمان می‌کنم در این عمودیت نشانی از گذشته وجود دارد، گمان می‌کنم عمودیت از کنشی تقلید می‌کند که انسانیت را بنیان نهاده است زیرا بشر با برخاستن و ایستادن بود که انسان شد.»



تابستان زبان مرده

برنار نوئل

برگردان عاطفه طاهایی

نشر گوشه



علی شروقی

در پرده دوم از صحنه سوم «ریچارد سوم»، در خیابانی در لندن، سه مرد با یکدیگر درباره مرگ شاه و آن‌چه بعد از آن پیش خواهد آمد سخن می‌گویند. آن‌ها از واقعه‌ای حرف می‌زنند که اکنون دیگر «گذشته» شده است و این «گذشته»، حال را آبهستن آینده‌ای هولناک کرده است. در گفت‌وگوی این سه تن که برخلاف بازیگران اصلی آوردگاهی بزرگ‌زادگان نیستند و در حاشیه جنگی خونین بر سر تصاحب قدرت، تماشاچیان نگران و مضطرب وقایع‌اند و تنها در همین یک پرده، آن هم فقط در یک صحنه، ظاهر می‌شوند، با مکانیسم بدل‌شدن تاریخ به ادبیات مواجهیم؛ همان مکانیسمی که نمایشنامه «ریچارد سوم»، نمایشنامه‌ای که عناصر مضمونی خود را از تاریخ وام گرفته است، از آن سود می‌جوید تا از سطح تاریخ، به مثابه شرح رویدادها، عبور کند و به جان و جوهر تاریخ دست یابد و با دست‌یافتن و به‌صحنه‌کشاندن جوهر تاریخ، آینده را در گذشته نمایش دهد.

اگر بپذیریم که تفاوت تاریخ و ادبیات در این است که تاریخ از «اتفاق افتاده است» و «اتفاق افتاده بود» و «اتفاق افتاده بوده بود»های محتوم سخن می‌گوید و ادبیات این «اتفاق افتاده است»، «اتفاق افتاده بود» و «اتفاق افتاده بوده بود»ها را به «در حال اتفاق افتادن» است، و از آن به سمت «اتفاق خواهد افتاد» می‌راند آن‌گاه باید این را هم بپذیریم که شکسپیر یکی از نمونه‌های عالی مکانیسم تبدیل تاریخ به ادبیات و راندن گذشته به سمت آینده و به‌صحنه‌آوردن آینده در گذشته را در «ریچارد سوم» پدید آورده است.

به گفت‌وگوی مردان لندنی بازگردیم. گفت‌وگویی که در نسبت با صحنه‌هایی که وقایع اصلی نمایشنامه در آن‌ها اتفاق می‌افتد حاشیه‌ای بیش نیست، اما در عین حال درک «ریچارد سوم» به‌عنوان ادبیاتی که تاریخ را موضوع خود قرار داده است، بدون به مرکز صحنه آوردن این حاشیه میسر نیست. بخشی از گفت‌وگوی سه مرد در «ریچارد سوم» چنین است:

مرد اول: روز به‌خیر همسایه، با این شتاب کجا می‌روی؟
مرد دوم: راست بگویم، خودم هم نمی‌دانم. خبرهای بیرون را شنیده‌ای؟
مرد اول: آری شنیده‌ام که شاه مرده است.
مرد دوم: به بانوی مقدس سوگند خبر بدی است. این روزها خبر خوشی در کار نیست.^۱
در این جا مرد دیگری هم به صحنه می‌آید و در گفت‌وگو شرکت می‌کند:
«مرد سوم: همسایه‌ها خدا یارتان.
مرد اول: روز شما هم به‌خیر آقا.
مرد سوم: این خبر که شاه ادوارد شریف مرده، راست است؟
مرد دوم: آری حضرت آقا راست است. خدا به دادمان برسد.
مرد سوم: آقایان روزگار بدی در راه داریم.
مرد اول: نه، نه. به لطف خدا، پسرش شاه خواهد شد.»^۲

اما این سخن مرد اول و بعد از آن آمیددادن‌های مرد دوم، خیال مرد سوم را آسوده نمی‌کند. او نگران رقابت میان نزدیکان شاه است. رقابتی که به اعتقاد مرد سوم دامن مردم عادی را نیز خواهد گرفت. و کمی بعد گفت‌وگو این‌گونه پیش می‌رود:

«مرد اول: نه آقایان، ما فال بد می‌زنیم. باشد که همه چیز به خیر و خوشی بگذرد.
مرد سوم: آسمان که ابر می‌شود، مرد عاقل بالاپوش خود به تن می‌کند
وقتی برگ‌های بزرگ می‌ریزند زمستان در راه است.
خورشید که غروب می‌کند، کیست که منتظر شب نباشد؟
طوفان نابهنگام مردمان را نگران خشکسالی می‌کند
همه چیز به خیر و خوشی می‌گذرد، اما اگر خدا بخواهد.

این چیزی فراتر از شایستگی ما و انتظار من است.»^۳
مرد دوم که نخست از امید به آینده سخن گفته بود، با شنیدن این حرف‌های مرد سوم گویی مردد شده و دیگر مثل قبل امیدوار نیست.
«مرد دوم: راست گفتی. دل مردمان آکنده از ترس است.

کمتر کسی می‌یابد که با او سخن بگویی و باری از اندوه و ترس بر دل نداشته باشد»^۴
مرد سوم در پاسخ از این سخن می‌گوید که وقتی چنین می‌شود «آدمی خطر را بو می‌کشد و لاجرم به همه چیز گمان بد می‌برد.»^۵ و بعد اضافه می‌کند: «به تجربه دریافته‌ایم که خیزش آب خبر از طوفانی مهیب می‌دهد…»^۶

این سه مرد دیگر سر‌و‌کله‌شان در متن پیدا نمی‌شود. آن‌ها گویی در پشت درهای بسته تالارهایی ایستاده‌اند که در داخل آن‌ها نیرنگ‌ها و دسیسه‌ها و قتل‌ها بر سر تصاحب قدرت در جریان است. عواقب بازی تاج و تخت اما محدود به تالارهایی نیست که این بازی در آن‌ها طراحی می‌شود. از بین سه مردی که با یکدیگر حرف می‌زنند، مرد سوم بی‌آن‌که به اخباری از آن‌چه در تالارها می‌گذرد دسترسی داشته باشد، آینده را بو می‌کشد. او نگران است و نگرانی‌اش به مرد دوم نیز تسری می‌یابد. این سه مرد درواقع واسطه‌هایی هستند که تاریخ را به نمایشگاه‌های احضار می‌کنند و نمایشنامه «ریچارد سوم» به واسطه حضور آن‌ها از ورای سطح تاریخ، جان و جوهر و ذات آن را نشان می‌دهد.
یان کات که در «شکسپیر معاصر ما» بحث مفصلی را در باب تاریخ در نمایشنامه‌های شکسپیر پیش کشیده است، آن‌جا که به قسمت مربوط به گفت‌وگوی سه مرد در «ریچارد

ادبیات

ادبیات و تاریخ در «ریچارد سوم» شکسپیر، به مناسبت انتشار ترجمه عبدالله کوثری از این نمایشنامه

مرد سوم: زمستان در راه است



سوم» می‌رسد می‌نویسد: «وقایع تاریخی بزرگ در میدان‌های جنگ، در کاخ پادشاهی و برج زندان رخ می‌دهند؛ اما برج، کاخ سلطنتی و میدان جنگ در حقیقت همگی در انگلستان واقع شده‌اند.»^۷
یان کات واقع شدن این هر سه مکان در انگلستان را در نمایشنامه شکسپیر، «یکی از کشف‌های نبوغ‌آمیز» او می‌داند که «به آفرینش ترازدی مدرن تاریخی» کمک کرده است. او از گفت‌وگوی آن سه مرد به‌عنوان «صدای خیابان» یاد می‌کند. «صدای خیابان» تعبیری درست، دقیق و هوشمندانه است برای این گفت‌وگو که گویی کل «ریچارد سوم» را باید از منظر آن به تماشا نشست تا وجه تمایز آن را به‌عنوان ادبیات با روایت رسمی تاریخ از واقعه‌ای از نمایشنامه نمایشنامه «ریچارد سوم» است. دریافت، یان کات جایی دیگر از همان کتاب و در ادامه تحلیل نمایشنامه‌های تاریخ‌نگر شکسپیر، باز هم با اشاره به «ریچارد سوم»، به صحنه‌ای از این نمایشنامه ارجاع می‌دهد که شورای سلطنتی تشکیل شده و در این شورا قرار است نسخه لرد هستینگز پیچیده شود: «در صحنه بی‌نظیر شورای سلطنتی، شکسپیر شش هولناک را تا به آخر حفظ می‌کند و حتی لحظه‌ای به تماشاگر اجازه نمی‌دهد که راحت بنشیند. در چنین لحظه‌ای است که حتی می‌توان صدای نفس‌کشیدن مردم را شنید. در حقیقت، این ذات تاریخ است.»^۸

صدای نفس‌کشیدن مردم که به تعبیر یان کات از خلال صحنه نفس‌شورای سلطنتی به گوش می‌رسد، صدایی که «در حقیقت، ذات تاریخ» است، صدایی است که شکسپیر آن را درواقع در سطرهای سپید «ریچارد سوم» جا داده است. این صدا متعلق به همان سه مرد است. سه مردی که گویی در تاریکی متن، در گوشه‌ای پرت از تاریخ رسمی و بیرون از تالارهای قصرهای باشکوه پادشاهان کمین کرده‌اند.

اگر تاریخ رسمی با صدای بلند و قاطع و به مثابه حوادثی تمام‌شده و محتوم نوشته شده است، شکسپیر با کشاندن این تاریخ به صحنه خیابانی در لندن و به‌تماشاگذشتن آن از منظر سه مرد گمنام که گویی پشت درهای بسته‌ای که تاریخ در آن‌ها رقم می‌خورد گوش ایستاده‌اند، نفس‌کشیدن‌های به‌اضطراب و پیچ‌پچ‌های آن مردم عادی را در درون تاریخ رسمی رسوخ می‌دهد تا آن‌چه را در زمان مشخص رخ داده است، به امری هم‌زمانی بدل کند. از منظر همان آدم‌های

تفسیرها و تأویل‌ها: در انتظار گودو

سروراستار: هارولد بلوم

ترجمه بهروز حاجی‌محمدی

نشر ققنوس



عادی است که ریچارد که یک شخصیت واقعی در تاریخ است، از نو و این‌بار در هیئت هیولایی متشکل از انواع و اقسام دسیسه‌ها و دوز و کلک‌ها و کشتارهایی که طی قرن‌ها در انبان تاریخ انباشته شده‌اند، خلق می‌شود. ریچارد نمایشنامه شکسپیر نه یک قهرمان شرور در برابر دیگران درست‌کار که نمایش بی‌نقاب همان دیگران است. او جسم و تجسم همه شرارت‌هایی است که در طول تاریخ برای تصاحب قدرت به انجام رسیده است. بنابراین شکست و سقوط او نیز در پایان نمایشنامه صرفاً به‌مثابه انتقال شرارت است به نفر بعدی، عمده قربانیان ریچارد در نمایشنامه «ریچارد سوم» در موقعیتی دیگر همان جنایت‌ها را مرتکب شده‌اند و همان نیرنگ‌ها را به کار بسته‌اند و یا در آینده به کار خواهند بست. ریچارد چهره بی‌نقاب همه رقیبان و همدستان خویش است. هیولایی که بی‌برده‌پوشی می‌گوید آن‌چه را دیگران پنهان می‌کنند: «بر آتم که در شرارت داو تمام بگذارم»^۹ در طول نمایشنامه می‌بینیم که ریچارد نیرنگ می‌زند، دسیسه می‌چند، خود را ظاهر‌الصلاح جلوه می‌دهد و در همان حال نقشه‌اش زمین‌برداشتن حتی همدستان و نزدیک‌ترین کسان خود را تدارک می‌بیند و درعین‌حال وانمود می‌کند که خواهان پادشاهی نیست و آن را به اگره می‌پذیرد. تاریخ گویی تمام ترفندهای خونباری را که طی قرن‌ها پدید آورده و به کار بسته است در وجود ریچارد مخلوق شکسپیر به ودیعه گذاشته است. از آن فراتر ریچارد جسمیت‌یافته خود تاریخ است. او گویی معاصر همه دوران‌های تاریخ جهان است نه صرفاً یک شخصیت در نمایشنامه‌ای متعلق به دورانی خاص. یان کات درباره قهرمانان این‌دست نمایشنامه‌های شکسپیر می‌نویسد: «از آن‌جا که شکسپیر نویسنده بزرگی است، آن‌ها انسان‌هایی زنده به نظر می‌رسند. ما چهره‌های آنان را به خاطر می‌آوریم؛ اما وقتی که یک فصل را می‌خوانیم و شروع به خواندن فصل بعدی می‌کنیم، پس از خواندن تمام تراژدی‌های تاریخی، چهره‌های پادشاهان و غاصبان، یکی پس از دیگری محو و تار می‌گردد… در نمایشنامه‌های تاریخی شکسپیر، واری چهره‌های منحصربه‌فرد پادشاهان و غاصبان، به‌تدریج چهره خود تاریخ پدیدار می‌گردد…»^{۱۰} اما این چهره تاریخ که یان کات از آن سخن می‌گوید، به واقع آن هنگام پدیدار می‌شود که نقاب از چهره بازیگران تاریخ برداشته شود و آن‌ها بدون نقاب به صحنه بیایند. این نقاب را ادبیات است که برمی‌دارد. ریچاردی که شکسپیر به صحنه می‌آورد همان چهره بدون نقاب است. همان جوهر تاریخ که در کابوسی پدیدار می‌شود که شهروندی عادی در بیداری و وسط خیابانی در لندن می‌بیند و با دو شهروند دیگر از آن سخن می‌گوید.

این کابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

پی‌نوشت‌ها:
۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۰ ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی
۷، ۸، ۹، ۱۱ شکسپیر معاصر ما، یان کات، ترجمه رضا سرور، نشر بیدگل
این کتابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

۱۰ ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی

۷، ۸، ۹، ۱۱ شکسپیر معاصر ما، یان کات، ترجمه رضا سرور، نشر بیدگل

این کتابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

۱۰ ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی

۷، ۸، ۹، ۱۱ شکسپیر معاصر ما، یان کات، ترجمه رضا سرور، نشر بیدگل

این کتابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

۱۰ ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی

۷، ۸، ۹، ۱۱ شکسپیر معاصر ما، یان کات، ترجمه رضا سرور، نشر بیدگل

این کتابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

۱۰ ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی

۷، ۸، ۹، ۱۱ شکسپیر معاصر ما، یان کات، ترجمه رضا سرور، نشر بیدگل

این کتابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

۱۰ ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی

۷، ۸، ۹، ۱۱ شکسپیر معاصر ما، یان کات، ترجمه رضا سرور، نشر بیدگل

این کتابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

۱۰ ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی

۷، ۸، ۹، ۱۱ شکسپیر معاصر ما، یان کات، ترجمه رضا سرور، نشر بیدگل

این کتابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

۱۰ ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی

۷، ۸، ۹، ۱۱ شکسپیر معاصر ما، یان کات، ترجمه رضا سرور، نشر بیدگل

این کتابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

۱۰ ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی

۷، ۸، ۹، ۱۱ شکسپیر معاصر ما، یان کات، ترجمه رضا سرور، نشر بیدگل

این کتابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

۱۰ ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی

۷، ۸، ۹، ۱۱ شکسپیر معاصر ما، یان کات، ترجمه رضا سرور، نشر بیدگل

این کتابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

۱۰ ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی

۷، ۸، ۹، ۱۱ شکسپیر معاصر ما، یان کات، ترجمه رضا سرور، نشر بیدگل

این کتابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

۱۰ ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی

۷، ۸، ۹، ۱۱ شکسپیر معاصر ما، یان کات، ترجمه رضا سرور، نشر بیدگل

این کتابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

۱۰ ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی

۷، ۸، ۹، ۱۱ شکسپیر معاصر ما، یان کات، ترجمه رضا سرور، نشر بیدگل

این کتابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

۱۰ ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی

۷، ۸، ۹، ۱۱ شکسپیر معاصر ما، یان کات، ترجمه رضا سرور، نشر بیدگل

این کتابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

۱۰ ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی

۷، ۸، ۹، ۱۱ شکسپیر معاصر ما، یان کات، ترجمه رضا سرور، نشر بیدگل

این کتابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

۱۰ ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی

۷، ۸، ۹، ۱۱ شکسپیر معاصر ما، یان کات، ترجمه رضا سرور، نشر بیدگل

این کتابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

۱۰ ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی

۷، ۸، ۹، ۱۱ شکسپیر معاصر ما، یان کات، ترجمه رضا سرور، نشر بیدگل

این کتابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

۱۰ ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی

۷، ۸، ۹، ۱۱ شکسپیر معاصر ما، یان کات، ترجمه رضا سرور، نشر بیدگل

این کتابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

۱۰ ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی

۷، ۸، ۹، ۱۱ شکسپیر معاصر ما، یان کات، ترجمه رضا سرور، نشر بیدگل

این کتابوس همان عاملی است که گذشته را به سمت احتمالاتی می‌راند و به واقع آن را به رویدادی همواره در حال رخ‌دادن بدل می‌کند و این، چنان‌که پیش از این گفته شد، بدون حضور آن سه شهروند عادی، بدون حضور آن‌ها که در تاریخ رسمی حضور ندارند، میسر نیست. «ریچارد سوم» نه واقعه‌ای به‌تاریخ‌پیوسته که واقعه‌ای پیوسته در حال رخ‌دادن است. این راز ماندگاری شکسپیر است. نمایشنامه‌نویسی همواره نابهنگام و همواره معاصر زمان می‌کند. آینده‌ای که شاید آن را درناییم مگر بی‌زمانی که خود به گذشته بدل شده است.

</